

سیر تطور نقد رمان دفاع مقدس از آغاز تاکنون

علیرضا شوهانی (استاد دانشگاه بوعلی سینا همدان)

فرشته ملکی (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی)

جنگ تحمیلی با همه زیان‌ها و پیامدهایی که برای جامعه و مردم ایران در پی داشت، باهمت صاحب قلمان ایجادکننده ژانری ادبی گردید که در تاریخ ادبیات مسبوق به سابقه نبود و بازتاب آن در عرصه ادبیات داستانی به ویژه ساحت رمان نویسی کاملاً مشهود است. از آنجاکه جنگ ابعاد گسترده‌ای دارد و همواره نگاه به جنگ یک گونه نبوده است، داستان نویسان در برهه‌های زمانی مختلف صحنه‌های متفاوت و گاه متناقضی از جنگ را به تصویر کشیده‌اند. مبنای این پژوهش بر تقسیم‌بندی موضوعی رمانهای سه دهه اخیر با توجه به شاخصه‌های زمانی است و مسئله کلی آن نیز این است که سیر تطور و تحول رمان جنگ از جنبه‌های مختلف ساختاری، محتوایی، زیبایی‌شناسی و... از بدو پیدایش تاکنون بر چه منوال و با چه رویکردهایی بوده است؟ رمان‌های این حوزه در یک طبقه‌بندی کلی به دودسته تقسیم می‌شوند؛ آثاری که در طول و همزمان با جنگ نوشته شده‌اند و آثاری که پس از جنگ و تاکنون نیز به رشته نگارش درآمده‌اند و این دودسته آثار با سه رویکرد قابل نقد و ارزیابی هستند؛ رویکرد احساسی، رویکرد بینابین - انتقادی، رویکرد عقل‌گرا.

کلیدواژه‌ها: ادبیات جنگ، رمان دفاع مقدس، سبک و ساختار، درون مایه، تحول

مقدمه

جنگ یک پدیده و واقعه عظیم اجتماعی است و تغییراتی اساسی در نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه ایجاد می‌کند. حوزه ادبیات نیز به واسطه جنگ تحمیلی و دفاع مقدس از این تأثیرپذیری برکنار نبوده است.

به استناد گواهی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس تاکنون بیش از شش هزار اثر در حوزه های شعر، داستان، زندگی نامه و ... در فاصله حدود سه دهه از آغاز جنگ تا پایان دهه هشتاد به چاپ رسیده است و « پس از شعر، داستان های دفاع مقدس دومین نوع ادبی است که نقد و نظرهایی را در پی داشته است » (سنگری؛ 1379 : 49). زیرا « عظمت وقوع حوادثی چون جنگ اجازه بی تفاوتی به روح حساس هنرمندان و نویسندگان را نمی داده است » (حنیف؛ 1386 : 13). در این بین نمی توان سهم رمان و رمان نویس را نادیده گرفته و به آن بی اعتنا بود. بی شک ادبیات داستانی جنگ به ویژه «رمان جنگ»، امروزه پاره ای از پیکره ادبی جامعه ما به شمار می آید و همانگونه که ادبیات گذشته فارسی، تحلیل و بررسی و نقدهای جداگانه ای می طلبد، این بخش از ادبیات نیز نیازمند شناخت و ارزیابی دقیق از زوایای گوناگون است. باگذشت نزدیک به سه دهه از ظهور ادبیات داستانی جنگ و در اختیار داشتن نمونه های فراوانی از آن، زمینه لازم برای تحلیل و نقد ادبی در این عرصه فراهم شده است و می توان به نقد و تحلیل ای نگونه آثار پرداخت و ساختار و محتوای آنها را به بحث گذاشت. از طرف دیگر بررسی سیر تاریخ ادبیات معاصر، بدون بررسی دقیق و همه جانبه جریان های مختلف تشکیل دهنده آن ناقص خواهد بود. از این رو، نقد رمان های جنگ با رویکردهای سه گانه (احساسی، بینابین- انتقادی، عقلگرا) ضروری به نظر می آید. نقد « هنر ارزیابی یا تحلیل آثار ادبی در پرتو دانش، ادب و نزاکت است » (رضایی؛ 1382 : 179). هرچند عده ای معتقدند که « دفاع، مقدس است و نسبت تقدس به داستان، مانع نقد آزادانه آن می شود » (حنیف؛ 1388 : 106) اما باید توجه داشت که نقد و تحلیل رمان های دفاع مقدس در سه دهه اخیر در بازشناسی تبیین راه طی شده و نشان دادن نقاط ضعف و قوت موجود، تأثیر فراوان خواهد داشت و نگاه سالم به ادبیات جنگ مستلزم نقد و بررسی آگاهانه و منطقی آن است.

معیارها و رویکردها برای بررسی و نقد رمان های جنگ بسیار است اما «مهم ترین و برجسته ترین معیار، خود جنگ است» (همان: 12) زیرا جنگ، تبعات و پیامدهای آن هدای تکننده قلم نویسندگان به سم توسوهای خاص بوده است.

هرچند « ادبیات پایداری حوزه ای گسترده تر از ادبیات جنگ دارد » (سنگری؛ 1389 : 17) اما در این پژوهش اصطلاحاتی چون ادبیات پایداری، ادبیات جنگ، ادبیات مقاومت و ادبیات دفاع مقدس در یک حوزه معنایی به کار گرفته شده اند.

پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه این پژوهش نیز باید گفت که در واقع درباره نوشته های جنگ به ویژه رمان کمتر تحلیل و بررسی انتقادی صورت گرفته است. شاید بتوان گفت، نخستین اثری که مستقیماً در موضوع نقد رمان جنگ به چاپ رسیده است، «مجموعه مقالات سمینار بررسی رمان جنگ در ایران و جهان» است. از دیگر آثار نگاشته شده در این حوزه می توان به کتابهای «نیم نگاهی به هشت سال قصه جنگ»، «ورود نویسنده به ساحت داستان و خروج شخصیت ها از آن» از محمدرضا سرشار، «تفنگ و ترازو» از بلقیس سلیمانی، «جنگ از سه دیدگاه» از محمد حنیف، «کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس» از محمد حنیف و محسن حنیف، «صدسال داستان نویسی ایران» ج 3 و 4 از حسن میر عابدینی و نیز آثاری از جمله «باران بر زمین سوخته» از فیروز زنوزی جلالی، «بیداردلان در آینه» از احمد آقایی، «به سوی داستان نویسی بومی» از عبدالعلی دستغیب، «داستان نویسان نام آور معاصر ایران» از جمال میر صادقی و «گذر از خارزار» از سمیرا اصان پور اشاره کرد. در میان تحقیقات دانشگاهی (رساله) اگرچه تاکنون کارهایی از قبیل «تحلیل ساختاری و محتوایی رمان های برگزیده جنگ در دهه هشتاد» از محمدرضا عباسی، «شخصیت و شخصی پرداززی در هشت رمان جنگ» از فاطمه فیاض منش، «بررسی تحلیلی شخصی پرداززی در داستا نهایی کوتاه دفاع مقدس» از حسن با رونیان، «تحلیل ساختار و محتوای رمان دفاع مقدس دهه شصت» از علیرضا شوهانی به انجام رسیده

است اما تاکنون پژوهشی مستقل در حوزه رمان جنگ از دیدگاه موردنظر نگارندگان ملاحظه نشد که یکجا و در یک دوره زمانی سی ساله به نقد رمان جنگ پرداخته باشد.

بحث و بررسی

در زبان و ادبیات فارسی، اصطلاح «ادبیات جنگ» و «رمان جنگ» در بین منتقدان و ادیبان ایرانی، سابقه چندانی ندارد و از آنجاییکه بعد از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم تا شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شهریور 1359، جنگی به معنای واقعی آن در سرزمین ما حادث نشده بود، هم ادبیات ما از آثار چشمگیری که مستقیماً به جنگ پرداخته باشند خالی است و هم در آثار منتقدان ادبی، از پرداختن به نقد این نوع رمان و بیان تعاریف و ویژگی های آن نشانی نمی بینیم.

رمان جنگ آنگونه که در این سالهای اخیر پا به عرصه ادبیات نهاده است، در مقایسه با ادبیات گذشته ما پدیده ای نو به شمار می رود. در واقع می توان ادعا کرد که تنها پس از جنگ تحمیلی است که نویسندگان ما، آثاری با محتوای جنگ خلق می کنند و به تبع آن، منتقدان نیز تعاریفی هرچند کلی از رمان جنگ به دست می دهند. جنگ تحمیلی را پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان از پدیده های مهم تاریخی معاصر دانست و تبعات آن را در تمام زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور می توان ملاحظه

کرد و تأثیراتش را در گستره ادبیات دنبال نمود. تأثیر جنگ بر ادبیات، در قالب‌های گوناگون ادبی چون شعر، داستان و ... با مضمونها و درون مایه های جنگی موجب خلق ادبیاتی ارزشمند تحت عنوان «ادبیات جنگ» یا «ادبیات دفاع مقدس» گردید.

به تبع تازگی رمان جنگ در رمان فارسی، نقد آن نیز یک رویکرد تازه در سنت نقد ادبیات داستانی ایران است که به تدریج در حال پیدا کردن جایگاه خود است و این شیوه نقد رمان در اصل یک رویکرد تازه در نقد رمان فارسی محسوب می شود. از آنجاییکه این نوع نقد شرایط و زمینه های خاص خود را دارد که قبل از وقوع جنگ هشت ساله در سنت نقد ادبیات فارسی ما وجود نداشته، ابتدا به تعریف رمان، جنگ، ادبیات جنگ، رمان جنگ، ادبیات پایداری و دفاع مقدس و نقد ادبی خواهیم پرداخت.

1- رمان

«رمان از رمانس (Romance) قرون وسطی مشتق شده است البته در انگلیسی به جای رمان واژه دیگری را به کار می برند: (Novel) که برگرفته از واژه ایتالیایی «نو ولا» (Novella) به معنی چیز کوچک و تازه است و بر قصه کوتاه و منشور اطلاق می شده است» (سلیمانی؛ 1369: 12).

رمان یکی از ابزارها و رو شهای مهم انتقال فکر، اندیشه، فلسفه و ارائه چهره واقعی و جدیدی از انسان و جامعه انسانی امروز است. این نوع داستانی، علاوه بر این که تصویری از زندگی و رفتارهای واقعی است، تصویری از روزگاری است که رمان در آن نوشته شده است. رمان گزارشی است آشنا از چیزهایی که هرروز جلوی چشم ما روی می دهد (آلوت؛ 1368: 25).

ناصر ایرانی نیز در تعریف رمان م یگوید: «رمان آینه ایست تما منما، تمام نمایی آن به نشان دادن واقعیت های موجود اجتماعی و به نشان دادن روابط متقابل انسانی در ابعاد و زوایای گوناگون آن محدود نمی شود، بلکه آرمان ها و ارزش های آن جامعه را هم نشان می دهد. علاوه بر این ها، تصویرگر این واقعیت است که کدام آرمان ها و ارزش ها مرده است و کدام آرمان ها و ارزش ها زنده است که آنها می تواند جامعه را به حرکت درآورد» (ایرانی؛ 1364: 53).

2- جنگ

پیش از پرداختن به نقد رمان جنگ که موضوع اصلی بحث ماست، شایسته است که ابتدا شناخت مختصری از پدیده جنگ و ویژگی های آن را به دست آوریم تا بتوانیم تأثیر یا انعکاس این پدیده را در ادبیات جنگ و به ویژه نقد رمان جنگ، بهتر ارزیابی نماییم.

جنگ یک امر انسانی است که با انسان زاده شده است و با انسان نیز از بین خواهد رفت؛ آنگونه که می توان ادعا کرد آدمی تاریخ حیات خویش را باوجود جنگ ها به یاد می آورد. پس این سخن پذیرفتنی است که « تاریخ شروع جنگها، تاریخ زندگی بشر است » (ادیبی سده؛ 1379 : 4).

« واژه جنگ [War] از ریشه آلمانی (Werra) گرفته شده است که به معنای آزمون نیرو با استفاده از اسلحه بین ملتها (جنگ خارجی) یا گروههای رقیب در داخل یک کشور (جنگ داخلی) صورت می گیرد» (با رونیان؛ 1387 : 4). ابن خلدون منشأ جنگ را این گونه می بیند: « باید دانست که انواع جنگها و زدوخوردها، از نخستین روزگاری که خداوند مردم را آفریده است پیوسته در میان آنان روی می داده است و اصل آن از کینه توزی و انتقام گرفتن یکی از دیگری سرچشمه می گیرد و آن وقت وابستگان و خداوندان عصبیت هر یک از دودسته پیکار کننده، به هواخواهی و تعصب برمی خیزد. یکی از آن دو به قصد انتقام جویی برمی خیزد و دیگری آماده دفاع می شود و در نتیجه، جنگ روی می دهد» (ابن خلدون؛ 1369 : 518).

از دیدگاه حقوق بی ناملل، « جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی، مجموعه عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه ای که در چهارچوب مناسبات کشورها- دو یا چند کشور- روی می دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با یکدیگر و همچنین با کشورهای ثالث می شود. در این جهت، حداقل یکی از طرفین مخاصمه درصدد تحمیل نقطه نظرهای سیاسی خویش بر دیگری است. به این ترتیب، عملیات قهرآمیز مسلحانه، وسیله و هدف تحمیل اراده مهاجم است » (ضیایی بیگدلی؛ 1373 : 44 - 45).

به عقیده پیترمی یر «جنگ نوعی نزاع است که برخورد میان دو گروه سازمان یافته را نشان می دهد» (می یر؛ 1376 : 93).

از این تعاریف نتیجه میگیریم که نزا عهای فردی و تن به تن و خشونت های افراد نسبت به هم، در محدوده تعریف جنگ به تعبیر امروزی جامعه شناسان نمی گنجد. ویژگی های مهم جنگ به مفهوم امروزی آن را که جامعه شناسان و عالمان علوم سیاسی نیز به آنها اشاره دارند، می توان در سه مورد زیر خلاصه کرد:

الف) جنگ دارای ویژگی جمعی است.

ب) جنگ همراه با خشونت است.

ج) جنگ منجر به خونریزی و کشتار می شود.

ادبیات جنگ

پیش از پرداختن به این موضوع می‌بایست این سؤال را مطرح کرد که آیا «ادبیات جنگ» می‌تواند نوعی از انواع ادبی باشد؟ و آیا اصولاً کاربرد چنین اصطلاحی جایز است یا نه؟

«انواع ادبی در بین ناقدان امروزی، یکی از اقسام جدید علوم ادبی است که موضوع آن طبقه‌بندی کردن آثار ادبی از نظر ماده و صورت در گروه‌های محدود و مشخص است» (شمیسا؛ 1376: 13). رنه ولک و اوستین وارن در کتاب معروف خود به نام «نظریه ادبیات»، انواع ادبی را چنین تعریف کرده‌اند: «نوع ادبی عبارت است از: گروه‌بندی آثار ادبی که از لحاظ نظری مبتنی بر شکل بیرونی (بهر و ساختمان خاص) و نیز شکل درونی (نگرش، لحن، مقصود و با تسامح موضوع و مخاطب) است» (ولک؛ 1373: 226).

بر اساس این تعریف، می‌توان پرسش‌آغازین را چنین پاسخ داد که اگر در نوع‌شناسی ادبیات جنگ «شکل بیرونی را ماک قرار دهیم، بی‌شک پاسخ منفی است؛ زیرا ادبیات جنگ نیز اساساً شامل همان دسته از آثاری می‌شود که شناخته شده‌اند مانند شعر، رمان، نمایشنامه و ... اما اگر ماک، موضوع یا شرایط تاریخی جامعه باشد که در اثر ادبی منعکس شده یا زمینه‌ساز پیدایی آن بوده است، می‌توان از ادبیات جنگ به عنوان ی‌گونه یا نوع نام برد؛ همانگونه که از ادبیات «بزم» و «رزم» سخن به میان می‌آید» (کوثری؛ 1379: 102).

در دانش‌نامه ادب فارسی نیز، ادبیات جنگ چنین تعریف شده است: «ادبیات جنگ به نوشته‌هایی گفته می‌شود که به نوعی به مسئله جنگ و مقوله‌های مرتبط با آن می‌پردازد» (انوشه؛ 1376: 48). این تعریف، تعریفی کلی است که می‌بایست بحث «مقوله‌های مرتبط با جنگ» در آن بیشتر تبیین گردد. شاید توضیحی که مسعود کوثری درباره ادبیات جنگ می‌دهد، تا حدودی روشن‌کننده تعریف دانش‌نامه از ادبیات جنگ باشد؛ وی در این‌باره می‌نویسد: «ادبیات جنگ هم شامل آن دسته از آثاری است که به توصیف جنگ، رزمندگان، وقایع و صحنه‌های جنگ، ادوات و ابزار جنگ، نقشه‌ها و فنون جنگ و ... می‌پردازند و هم آن دسته که غیرمستقیم مسائل مربوط به جنگ نظیر مهاجرت، بمباران شهرها، خانواده رزمندگان، ترغیب افراد به پیوستن به جبهه‌ها و مسائل پشت جبهه را توصیف می‌کنند. [همچنین] ادبیات جنگ، نه تنها شامل آثار ادبی تولیدشده در صحنه‌های جنگ و زمان جنگ، بلکه آثار تولیدشده در خارج از صحنه‌های نبرد و زمان پس از جنگ را نیز دربرمی‌گیرد» (کوثری؛ 1379: 100).

از آنچه تاکنون گذشت می‌توان دریافت، دیرزمانی است که مقوله جنگ در پیچه‌ای به روی ادبیات گشوده است و یک تم اساسی برای داستان‌نویسان بوده است.

4- رمان جنگ

اصطلاح «ادبیات جنگ» و «رمان جنگ» در بین منتقدان و ادیبان ایرانی سابقه چندانی ندارد. برای مثال نویسنده کتاب ارزشمند «صدسال داستان نویسی ایران» که خود از جمله دنبال کنندگان سیر داستان نویسی در ایران است، شروع ادبیات و داستان جنگ را آغاز جنگ ایران و عراق می داند و در کتاب خود ذیل عنوان ادبیات جنگ می نویسد: «با شروع جنگ تحمیلی در پایان تابستان 1359، ادبیات جنگ هم پدید آمد» (میر عابدینی؛ 1386 : 889). وی در ادامه بی آنکه از ادبیات یا رمان جنگ تعریفی ارائه دهد و یا ویژگی های آن را بیان دارد، وارد مقوله نقد و بررسی آثار و معرفی نویسندگانی می شود که درزمینه جنگ فعالیت داشته اند.

در حقیقت از آغاز دهه شصت به بعد است که می توان رد و نشانه اصطلاح «ادبیات جنگ» و «رمان جنگ» را رصد کرد و در گفتگوها، سمینارهای ادبی و مقالاتی که در نشریات، مجلات و روزنامه ها به چاپ رسیده است، نشانه هایی از آن را یافت. باوجوداین، در لابه لای آنها و حتی در کتا بهایی که در این زمینه انتشاریافته است به سختی می توان به تعریفی جامع از رمان جنگ دست یافت. براین اساس می توان تعریف زیر را - که تعریفی تلفیقی از «رمان جنگ» است - چنین عرضه کرد:

«رمان جنگ از جهت موضوع، نوعی از انواع رمان است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، به توصیف صحنه های جنگ در جبهه و پشت جبهه و بیان مسائلی چون حالات رزمندگان، دلآوری آنان، ترغیب افراد به پیوستن به جبهه و نیز نشان دادن تبعات جنگ همچون بمباران شهرها و ویرانی های ناشی از آن، آوارگی و مهاجرت مردم، معلولی آنها، افسردگی های روحی - روانی و ... بپردازد و منعکس کننده اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ای خاص در دوره جنگ باشد» (شوهانی؛ 1389 : 30).

5- ادبیات پایداری و دفاع مقدس

ذیل اصطلاح «ادبیات پایداری» تعاریف بسیاری آمده است از جمله ای نکه «ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می شود که از زشتی ها و پلشتی های بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی هنری یا ادیبانه سخن می گوید» (سنگری؛ 1377 : 36).

همچنین «به نوعی از ادبیات اطلاق می شود که حول مبارزه انسان با بیدادگری و ظلم و ستم گشته، به صورت اثری ماندگار و قابل انتقال در ذهن انسان ها درآمده باشد» (ربانی؛ 1377 : 235).

ادبیات دفاع مقدس را نیز «مجموعه آثاری دانسته اند که درون مایه و موضوع آنها به مسائل هشت سال جنگ و دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن برمی گردد» (سنگری؛ 1376 : 6).

با توجه به تعاریف فوق می توان ویژگی های ادبیات پایداری را در سه محور زیر خلاصه کرد:

الف- ادبیات پایداری بیان نابسامانی های جنگ با زبانی هنری است.

ب- مبارزه با بیدادگری در مرکزیت آن قرار دارد.

پ- مضمون اصلی آن جنگ، تبعات و پیامدهای آن است.

نقد رمان های جنگ

نقد رمان جنگ به تناسب تغییرات و تحولات ساختار رمان، تغییر کرده است. خط سیر نقد در حوزه رمان جنگ را می توان در سه بخش زیر طبقه بندی کرد:

1- دوره اول : احساسی، سطحی و سرشار از شعارزدگی.

2- دوره دوم: بینابین – انتقادی.

3- دوره سوم: عقلگرا و رو به سوی تکنیک های جدید داستان نویسی.

رمان هایی که با هریک از رویکردهای فوق به رشته نگارش درآمده اند، ارائه دهنده تصویری از یک دوره خاص در تاریخ ایران هستند و سرچشمه حوادث و رخدادهای هر کدام از رمان هایی که در دسته بندی فوق قرار می گیرند، واقعیت های جاری موجود در جامعه هستند.

تفکیک خطوط و رویکردها در حوزه نقد رمان جنگ امری نسبی است زیرا القای تحمیل گونه مفاهیم در قالب رمان ها تصویرسازی های چندبعدی از جنگ را محدود و محصور می کند. به عبارت دیگر خلق رمان هایی تحت عنوان هر کدام از رویکردهای فوق معلول ضرورت زمانه بوده است و مضامین و عناصر این رمان ها با پیش زمینه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی پیوند تنگاتنگی دارد.

شاخص های رمان دفاع مقدس در دوره اول

عظیم بودن و تأثیرگذاری واقعه جنگ، رمان نویسان را به سمت ثبت و ضبط وقایع و انتشار سریع آن سوق داد و باعث ایجاد نوعی «رنالسیسم(1)» محض در سیر رمان نویسی گردید. در این سبک نویسندگی «نویسنده موضوعی را از زندگی واقعی مردم انتخاب می کند و آن را عیناً بازگو می کند. در این بازگویی، داستان و حوادث مسیر طبیعی خود را بدون دخالت نویسنده طی می کند و این مسیر حوادث داستان است که قلم نویسنده را به دنبال خود می کشد(مقدادی؛ 1378 : 255)». هرچند ارزش بخش مهمی از رمان های این دوره مربوط به این نوع رمان های واقع گرایانه است اما «خطر رئالیسم این است که هنر را در حد

دادن اطلاعات پایین می آورد و رمان جنبه روزنامه نگاری می یابد « (دستغیب؛ 1376 : 103). اساساً ذات ادبیات با تخیل سروکار دارد و « رابطه متقابل واقعیت و تخیل اساس هویت ادبیات است » (گرانت؛ 1375 : 30) اما گویی نویسندگان این دوره عنصر تخیل را فراموش کرده و اغلب به گزارش صرف و مستند از دفاع مقدس بسنده کردند. هرچند اکثر قریب به اتفاق اهل ادب اذعان دارند که « نویسندگی باید حاصل مشاهده و تجربه منطقی یک واقعیت باشد » (زرافا؛ 1386 : 11)

و تصویرهای روشن وزنده از حوادث تأثیرگذار بر روند داستان نگاری را ارائه دهد اما ارائه واقعیت به صورت مستقیم و گزارش گونه، اثر هنری و ادبی ارزشمندی خلق نمی کند و واقعه پردازی محض به قوه تخیل نویسنده لطمه می زند. بنابراین، شرح حوادث و ماجراهای واقعی نیز باید به گونه ای با تصور و تخیل همراه باشد. هرچند « در طول جنگ معمولاً درباره داستان یارمانی تبلیغ می شود که روحیه سلحشوری یا جنگ طلبی را در مردم تقویت کند، حتی اگر ارزش هنری نداشته باشد چراکه قرار است تأثیر مقطعی برجای گذارد » (میر عابدینی؛ 1386 : 890).

موج های نیرومند مضامین جنگ، کم کم رمان نویسی را به سمت و سوی خاص سوق داد و موجد نوعی «ادبیات احساساتی (Sentimentalized literature)» در جامعه ادبی گردید و اکثر رمان های این دوره رمان های احساسی گرانه (Novel of sensibility) هستند؛ در این قسم رمان « احساسات و هیجانات عاطفی اشخاص به طرز مبالغه آمیز نشان داده می شوند » داد؛ (1380 : 146).

احساسات تند ناسیونالیستی و تمایل به نمایش اقتدار در جنگ، به رمان ها بیشتر جنبه تبلیغی و ایدئولوژیکی داد و بسیاری از آنها یکسونگر بودند. «این نویسندگان با در نظر گرفتن کارکردی غیرادبی برای اثر، ادبیات متن را به کلی فراموش کردند یا آن را در خدمت کارکرد موردنظرشان درآوردند » (سلیمانی؛ 1380 : 30). از طرف دیگر نویسندگان در این حوزه، کم تجربه و قل مها ناپخته بودند و اغلب داستان ها فاقد زیبایی های هنرمندانه. به دلیل نزدیکی به زمان وقوع جنگ طرح مضامین، سطحی و شتاب زده بود و نوعی ادبیات شعاری ایجاد شد. البته نه به معنای عام که از محتوا خالی باشد بلکه بیشتر بحث تشویق اذهان برای دفاع از وطن بود. از دیدگاه فیروز زنوزی جلالی اولین تهدیدی که متوجه ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس است «آسیب شعارزدگی» است و این آسیبی است که در جریان رمان نویسی دوره اول به وفور شاهد آن هستیم.

خصلت ساده نگاری و تکرار مضمون، فکر و ایده، مانع ایجاد تنوع شیوه های روای پردازی و پدید آمدن ساختارهای نوین در حوزه رمان جنگ در این دوره گردید و حتی اغلب رمان ها از عناصر داستانی و تکنیک های داستان نویسی کم بهره و به مبانی ساختاری و ادبی کم توجه بودند. محتوا، شخصیت پردازی، سبک و

ساختار این دسته از رمان ها تا حدودی ساده، محدود و قابل پیش بینی هستند و فاقد ابتکارند. از جمله ویژگی هایی که برای رمان ذکر کرد هاند، یکی این است که « باید چندین گره داشته باشد » (سپانلو؛ 1381 : 131) اما ما در اغلب ساختار رمان های این دوره نه تنها شاهد چندین گره در سیر داستان نیستیم بلکه تک گره ای هم که وجود دارد ، گره ای است ساده و اغلب خواننده خود می تواند گره گشایی را حدس بزند.

شخصیت های رمان های این دوره به شدت موردحمایت نویسندگان هستند.

این شخصیت ها قهرمانانی هستند که با بهره گیری از پشتوانه های عمیق دینی و فرهنگی و با برخورداری از احساساتی آتشین در دفاع از میهن و عرق ملی گرایی عهده دار مبارزه م میشوند و در جنگ و مبارزه کوشا هستند.

نویسندگان این قبیل رمان ها به جهت علاقه بسیار به تأثیرات حسی و عاطفی رمان های خویش، دست به قهرمان سازی زده اند و از این واقعیت غافل بوده اند که هرگونه تعصب در این زمینه مسیر منطقی رمان را دچار انحراف و یکسونگری خواهد کرد.

هرچند اکثر رمان های این دوره حالت گزارشی و مستند دارند اما « از دل همین یادداشت ها، گزارش ها و خاطره هاست که فاخرترین نثرها برمی خیزد و زیباترین داستان ها و رمان ها قد برمی افروزد » (صنعتی؛ 102: 1389)

درمجموع نیز، نثر رمان های این دوره نثری است بی پیرایه، روشن و همه فهم.

از آنجاکه « با افزایش اشرافمان بر آثار ادبی درم ییابیم که بسیاری از متن ها درون مای ههای مشابهی دارند، هر بار در روبه رو شدن با چنین آثاری بررسی آنها را آسان تر از دفعه های پیش می یابیم زیرا آنها را قبلاً در متن های دیگر دیده ایم » (مشرف؛ 1385 : 192) براین مبنا با بررسی و مطالعه درون مایه رمان های دوره اول به مضامین مشترکی چون: تلاش جهت تنویر افکار عمومی و تهییج و تحریک آنان جهت شرکت در جنگ، ایجاد باوری مثبت و سازنده در مردم در شرایط بحرانی جنگ، آرمان پرستی، ملی گرایی، انتظار پیروزی یا شهادت برای معنا دادن به زندگی، القای اندیشه تحقق وعده های الهی، ادامه جنگ و راه شهدا، توجه به اندیشه های دینی، ایجاد بارقه های امید به پیروزی و... در اغلب این رمان ها برمی خوریم.

ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که موارد ذکرشده در بین تمام رمان های این دوره مطلق نبوده و گاه استثناهایی نیز به چشم می خورد.

رمان های شاخص دوره اول

عروج و راه بی کنار (ناصر ایرانی) - نخل های بی سر (قاسمعلی فراست) - آتش در خرمن (حسین فتاحی)
دعای مرغ آمین (سیروس طاهباز) - مهاجر کوچک (رضا رهگذر) - سرود اروند رود (منیژه آرمین) - زمین سوخته (احمد محمود) - سرود مردان آفتاب (غلامرضا عیدان) - مخمصه (علیرضا افزودی) - عقا بهای تپه 60 (محمد رضا بایرامی) - چشمانم زنده است (هادی خرمالی) و

شاخص های رمان دفاع مقدس در دوره دوم

از آنجاکه «هیجانان اجتماعی از کم ثبات ترین پدیده های اجتماعی اند و معمولاً به طور موقت در زمان معینی به وجود می آیند» (سپیدنامه؛ 1389 : 120) ، با پایان جنگ هشت ساله و فروکش کردن هیجانان اجتماعی و احساس ها و جوشش های فردی، ادبیات و به ویژه داستان نویسی راه و مسیر دیگری را در پیش گرفت و فصلی تازه در رمان جنگ گشوده شد و زمان آن فرارسید که بازماندگان جنگ در شکل های مختلف و متنوع از جنگ بنویسند. نویسندگان نیز به تدریج نگاه خود را به مقوله جنگ و تأثیر آن را در ادبیات تعمق بخشیدند. بعد از جنگ نویسندگانی پا به این عرصه گذاشتند که خود اغلب در جنگ حضور داشتند و بهتر می توانستند جنگ و تبعات آن را دستمایه آثارشان قرار دهند.

«ادبیات داستانی جنگ، ادبیاتی است که جنگ را با تمام تلخ یها و شیرینی هایش به مخاطب نشان دهد» (حنیف؛ 1386 : 12) رمان نویس های این دوره نیز سعی در انعکاس تلخی ها و پیامدهای منفی جنگ دارند از این رو رمان های این دوره آمیزه ای از واقع گرایی و انتقاد یا به تعبیری دیگر دارای گرایش «رنالیسم انتقادی (Critical realist)» هستند و بار مسئولیت ناهنجاری های اجتماعی را با خود به دوش می کشند و رمان نویسان ادبیات داستانی را ابزار بیان اندیشه های اجتماعی خود کردند. مسائل شعاری دوره اول جای خود را به مسائل شعوری و تفکر برانگیز داد و در واقع همین ادبیات و رمان نویسی است که به حقیقت جنگ نزدیک می شود زیرا «در سرتاسر دنیا اغلب بهترین، عمیق ترین و ماندنی ترین آثار هنری مربوط به جنگ و مقاومت، نه در بحبوحه دوران درگیری که عمدتاً پس از اتمام آن برهه و حتی سالها پس از برقراری آرامش خلق شده است» (رهگذر؛ 1370 : 19).

از آنجاکه «داستان نویس باید تلاطم های جامعه را نشان دهد» (دستغیب؛ 1376 : 269) رمان نویسان این دوره درون مایه رمان های خود را انتقاد اجتماعی، توصیف واقعیت از زوایای گوناگون، پرداخت زندگی رزمندگان، جانبازان و اسرا در چهارچوب خانواده های مختلف و گاه متعارض، رنج شکست و دلهره و ترس از آینده ای مبهم، اعتراض به اوضاع ناهنجار جامعه پس از جنگ و ناروایی های اجتماعی، تعارض نسل ها،

خشونت و تلخی جنگ، مشکلات معیشتی ناشی از بحران جنگ، و اخوردگی و افسردگی های رزمندگان از جبهه بازگشته، تغییر ارز شها و هنجارهای جامعه و . . . قراردادند.

در این دوره پرده از رازهای زندگی رزمندگان، جانبازان، اسرا و خانواده های آنان برداشته می شود و گاه گاه فضایی غم زده، پر از بیم و امید، د لزدگی و آشفتگی بر فضای رمان ها حاکم می شود و اوضاع نابسامان پس از جنگ و تأثیر آن بر زندگی خانواده ها در لباس داستان به نقد کشیده می شود.

با همه این تلخی ها، نویسندگان رابطه خود را با ارزش ها قطع نمی کنند اما نگاهشان نسبت به انسان، جنگ، جامعه و حرکت آن دگرگو نشده است و تا حد امکان از برخوردهای احساسی پرهیز می کنند. اینان تصویرهای چندبعدی از جنگ را ارائه می دهند و صراحتاً اظهار می کنند که وجه حماسی و قهرمانی و قهرمان سازی، تنها وجه جنگ نیست و به نوعی در رابطه با شخصیت های داستانی نهایشان دست به قهرمان شکنی می زنند.

رزمندگان از میدانهای نبرد به خانواده و جامعه بازگشته اند؛ عده ای از آنها با معلولیت ها و صدمه های جسمی و عده ای دیگر با التهاب ها و صدمه ها و سرخوردگی ها و افسردگی های روحی و روانی. بنابراین شخصیت های مخلوق نویسندگان این دوره شخصیت هایی هستند درونگرا با همه ضعف ها و نقایص بشری. جامعه توصیف شده در بسیاری از این رمان ها نیز جامعه ای است پر از فشارهای اجتماعی و نابسامانی های اقتصادی و فضایی یأس آلود بر آن سایه افکنده است.

نویسندگان این دوره به تدریج به سوی شیوه های جدید داستان نویسی گام برمی دارند و علاوه بر شیوه «رنالیسم انتقادی» در شیوه های دیگری نیز چون «رنالیسم جادویی (2)» طبع آزمایی کردند. برای مثال نویسنده ای چون علی مؤذنی برای اولین بار به ارائه مضامین دینی به شکل رنالیسم جادویی در داستان قاصدک (1371) همت گماشت.

نویسندگان گروه اول از توجه به هنری کردن رمان های خود به سبب غلبه محتوا بر اثر، بازماندند و این مسئله ضعفی عمده در اغلب این رمان هاست. نویسندگان دوره دوم نیز ضعف هایی داشتند؛ آنها بیش از پیش بر تلخی ها و ناکامی ها تأکید کرده اند و از یاد برده اند که «هنر واقعی هنرمند این است که در قلب تیرگی و زشتی، روشنی و زیبایی را بجوید. این یک واقعیت است که با زشت و تیره و تلخ و غیرقابل تحمل نمودن زندگی، نمی توان تأثیری مثبت و سازنده بر خواننده معمولی گذاشت» (سرشار؛ 1377 : 37).

در این دوره اسرا و مسائل مربوط به آنها نیز به درون مایه رمان ها افزوده می شود. برای مثال محمدرضا کاتب در «فقط به زمین نگاه کن»، جواد حزینی در «تنها علی»، ابراهیم حسن بیگی در «معمای مسیح»

و «کلک نگاه»، رحمت تقی پور در «اردوگاه»، حسن بنی عامری در «شکست دو نگاه»، اعظم صادقی خطیبی در «ابراهیم پسر م»، کورش صفایی در «فراسوی ستیزها» و امیرحسین چهل تن در «مونس مادر اسفندیار» به این مضمون پرداختند.

در کنار بیان مسائل انتقادی، بخشی از آثار دوره دوم مربوط به خاطره نگاری های جنگ است برای مثال رمان های «آن مرد در باران رفت» از شهرام شفیعی، «آب» از غلامرضا عیدان و ... در این قالب هستند. رمان های زیر نیز هر یک به شکلی تبعات منفی جنگ را به تصویر کشیده اند: «آخرین نامه» از طاهره ایبده، «آزمایشی دیگر» از نادره عزیزی نیک، «من قاتل پسر تان هستم» از احمد دهقان، «اگر باز آیی» از محمدابراهیم بچی، «به جای دیگری» از مصطفی خرامان، «جنگی که بود» از کاوه بهمن، «حمایل، نام زن» از شادی صدر، «در جستجوی من» از منیژه جانقلی، «دلواپسی» از هادی غلام دوست، «دورگردون» از طاهره ایبده، «شب گرگ» از احمد آقایی، «شوق مادرانه» از فضل اله میرشفیعی، «غم غربت» از اشرف اسدی، «بمباران» از محمود بدر طالعی، «شب ملخ» از جواد مجابی، «بالا تر از عشق» از پری منصوری و ...

شاخص های رمان دفاع مقدس در دوره سوم

در دوره سوم، نویسندگان تجربیات دو دهه رمان نویسی جنگ را پشت سر گذاشته اند و نقاط قوت و ضعف، بایدها و نبایدها، فراز و فرودها را تا حدودی شناسایی کرده اند. آمیختگی تجارب پیشین و آشنایی نویسندگان با شیوه ها و تکنیک های جدید داستانی، همچنین پختگی قلم ها سبب گردید نگرشی خاص بر عرصه رمان نویسی جنگ حاکم شود و بحث های ادبی پیرامون این حوزه صورتی دقیق تر یابند. در این سالها به تکنیکهای داستان نویسی بیشتر از دهه های قبل توجه شد و برخی از آثار به رونق داستان دفاع مقدس افزود و پیچیدگی های ساختاری این قبیل داستانها خواننده را به تفکر و تکاپو واداشت. آثار این دوره نسبت به دور ههای قبل به لحاظ تنوع، فرم و توجه به تکنیک های نوین داستان نویسی قاب لتوجه هستند. از لحاظ مضمون نیز تا حدودی ادامه روند مضامین دوره دوم هستند. نویسندگان از روی نقشه ای منظم طرح داستان را پرداخت می کنند و به دنبال نکته سنجی های ظریف در داستان های خود هستند و این نشان از همسویی آنها با جریان تکاملی ادبیات است.

از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نوعی ثبات در کشور حاکم می شود و به تبع آن ادبیات جنگ و به ویژه رمان نویسی به مرحله حساس خود م ی رسد و هرچه از جنگ فاصله گرفتیم این ادبیات قوی تر و منسجم تر شد. در این دوره، رمان نویسی وارد مرحله رشد و بالندگی خود شد و مسیرش روشن تر و هموارتر گردید و

اقبال عامه نیز به این ژانر ادبی بیشتر شد. «از اوایل دهه هشتاد اقبال به ای نگونه ادبی بیش از سایر گون
هما بود.

مردم دوست دارند بیش از هر چیزی از جنگ بشنوند و همین امر باعث رشد ادبیات داستانی جنگ در این
دهه شده است» (حنیف؛ 1388 : 179).

برخی صاحب نظران برای ادبیات دفاع مقدس قائل به سه محور هستند:

1- طرح آرمان ها و تفکرها

2- بیات شجاعت و ستایش فتوحات

3- یادکرد جنگ (کاکایی؛ 1380 : 53).

از میان سه محور فوق، محور اول و دوم مربوط به رویکرد نقد در دوره اول دفاع مقدس هستند و محور سوم
مربوط به رویکرد نقد در دوره دوم و سوم ادبیات داستانی دفاع مقدس است.

باورپذیری مطالب از طرف خواننده رسالت خطیری است که بر عهده نویسنده است و او باید از عهده این
مهم به خوبی برآید تا اثرش، اثری جذاب و گیرا باشد. نویسندگان این دهه با خلق شخصیت های
پرفرازونشیب و جزئیات پردازی اصولی، سعی در تحقق این امر داشته اند.

از دیگر نکات قابل توجه در رمان نویسی جنگ این دهه، بیان خاطرات است که برخی از آنها مانند کتاب
«دا» به سبب قلم توانای نویسنده تبدیل به رمان شده اند.

«داستان جنگ و دفاع مقدس طی سال های بعد از جنگ دچار تحولات وسیعی شد اما در مجموع می توان
ادعا کرد که این گونه ادبی به سیر صعودی خود ادامه داده و کنش ها و واکنش های هیجانی می تواند در
تقویت هرچه بیشتر پایه های آن مؤثر باشد» (حنیف؛ 1388 : 16).

رمانهای شاخص این دهه

«شطرنج با ماشین قیامت» از حبیب احمدزاده، «دیدم که جانم می رود» و «از معارج برگشتگان» از
حمید داوود آبادی، «از به نوشته» از رضا امیرخانی، «بعد از او» تکین حمزه لو، «بی تو با خاطره هایم چه
کنم؟» از محبوبه وحید پور، «حدیث عشق» از جمشید طاهری، «حنانه» از مریم برادران، «خنکی سپید
هدم» از ناهید طباطبایی، «دوستان خوب من» از م.ح عباسپور تمیجانی، «راز نگین سرخ» از حمید
حسام، «مادر با سرفه هایش» از عبدالمجید رحمانیان و ...

نتیجه گیری

رمان جنگ در ادبیات امروز ایران، پدیده ای نو به شمار می آید که سرآغاز آن به دهه شصت و همزمان با حمله عراق به ایران برمی گردد. بررسی سه دهه رمان نویسی جنگ با سه رویکرد احساسی، بینابین - انتقادی و عقلگرا نتایج زیر را به بار آورد:

رمان های دهه اول با رویکردی احساسی به رشته نگارش درآمدند و غالب آثار نوشته شده از احساساتی شدن نویسنده لطمه دیدند. ساختار در این دسته از رمان ها قوی نیست و اغلب ساختاری خطی، مستقیم و به دوراز پیچیدگی های هنری دارند. قلم ها خام و رمان ها بیشتر بعد تبلیغی و ایدئولوژیکی دارند و آرمان گرایی در آثار این دهه بیشتر از دهه های بعدی است. نگرانی از فراموش شدن ارزش های جنگ سیری شتاب زده به رمان نویسی این دهه داد و این محدودیتی بود که شرایط جنگ به نویسنده تحمیل کرد. شخصی تهی داستانی نیز اکثراً افرادی تک بعدی اند و بیشتر حالتی «تپیک» به خود می گیرند؛ گفت و گو و لحن آنان بی پرداخت هنری، در حد ابتدایی و به دوراز هرگونه برجستگی زبانی (. Fore grounding)

البته این قبیل ایرادات ساختاری در رمان های نویسندگان حرف ها یتر مانند احمد محمود و اسماعیل فصیح کمتر نمود یافته است. از لحاظ محتوا نیز، محتوا بر اثر غلبه دارد و قالب از چنان اهمیتی برخوردار نیست. رمان های این دهه جنبه رئالیستی دارند و اغلب برونگرا هستند و بر مبنای حوادث جامعه و جنگ نگارش یافته اند اما در میان آن ها کمتر اثری را می توان یافت که این واقعیات را به صورتی هنرمندانه تصویر کرده باشد به همین دلیل نیز نویسندگان این رمان ها نتوانسته اند دیدگاه خود را راجع به جنگ و مسائل مربوط به آن به شکلی خاق متبلور سازند اما در مجموع رمان های این دوره از لحاظ ارتباط با مردم ارزشمند هستند.

رمان های دهه دوم با رویکردی بینابین - انتقادی نوشته شده اند و نویسندگان، جنگ و مسائل مربوط به آن را به چالش کشیده اند. ساختار آنها منسجم تر شده و بین محتوا و قالب تناسب ایجاد می شود و در برخی آثار فرم بر محتوا غلبه می کند. چندلایگی داستان و شخصیت ها رمان های این دوره را هنری تر کرده است. محتوای رمان ها بیشتر بر مبنای نقد

تحلیل زندگی فردی و اجتماعی پس از پایان جنگ است؛ اعتراض به عملکرد نهادهای مختلف اجتماعی چون بنیاد شهید و جانبازان، مشکلات معیشتی خانواده های جنگ زده، فشارهای روحی و روانی و بحران هویت رزمندگانی که از میدا نها جنگ به خانواده و اجتماع بازگشته اند و ... در این رمان ها به وفور دیده می شود. رمان این دهه از لحاظ محتوا نوعی طغیان در برابر رمان های دهه قبل است و درو نگرایی بر اندیشه

اغلب نویسندگان و فضای داستا نها حاکم می شود. در مجموع در این دوره از ضعف های سبکی، ساختاری و محتوایی دوره اول تا حدودی کاسته می شود.

در رمان های دهه سوم (نقد با رویکرد عقلگرا) شاهد موازنه عقل و احساسات هستیم و نشانه هایی از تکامل کار هنری رمان نویسی جنگ را می توان در آنها مشاهده کرد. مضامین رمان ها در ادامه مضامین دهه قبل، به تدریج غنی تر و زیباتر می شود. نویسندگان این دهه چون جنگ را ندید هاند، تبعات جنگ آنها را متأثر می کند و به دوراز شیفتگی یا تنفر نسبت به جنگ نگاهشان را عمیق تر می کنند و داستان هایشان از ژرفا و زیبایی بیشتری برخوردار می شود. به تدریج توجه به فرم بیشتر می شود و از میان انواع ادبیات داستانی داستان کوتاه با محوریت جنگ بر رمان غلبه پیدا می کند. البته داستان هایی نیز که عنوان رمان به خود می گیرند بیشتر زندگی نامه و خاطره نگاری هستند.

بنابراین آثاری که در این سه دوره با رویکردهای مختلف نوشته شده اند از نظر کیفیت ساختاری، قالب هنری و مضمون باهم تفاوت های محسوسی دارند اما نباید تصور کرد که این تفاوت ها از ارزش و اعتبار آنها می کاهد. در پایان باید گفت وجود رویکردهای متفاوت در رمان جنگ دلیل پویایی و تحرک این ژانر ادبی است و باگذشت سال ها از پایان جنگ، ادبیات داستانی هنوز زمینه پرورش استعداد های بزرگ ادبی را در ارتباط با جنگ دارد و تعامل بیشتر نقد ادبی و رمان جنگ می تواند ادامه مسیر این نوع ادبی را هموارتر و روشن تر سازد.

پی نوشت

1- تعاریفی که از واژه رئالیسم ارائه شده بسیار گسترده است اما خلاصه آنها این است که «از نظر واژگان اصطلاح رئالیست از ریشه لغت RES به معنای چیز است و رئالیسم یعنی چیز گرایی و از حیث اصطلاح بر مکتبی اطلاق می شود که تصویری از واقعیات چشم اندازهای زندگی، خارج و آزاد از ایدئالیسم، ذهن گرایی و رنگ رمانتیک باشد» (ثروت؛ 1385 : 95). همچنین «رئالیسم یعنی بیان صریح و عامل فردیت ها» (گرانته؛ 1375 : 34).

2 - «رئالیسم جادویی یکی از شاخه های واقع گرایی (رئالیسم) در مکاتب ادبی است که در آن ساخت-های واقعیت دگرگون می شود و دنیای واقعی اما با روابط علت و معلولی خاص خود آفریده می شود». (هاترید؛ 1385 : 495). تعریف رئالیسم جادویی در قصه این است که «همه عناصر داستان طبیعی است و تنها یک عنصر جادویی و غیرطبیعی در بافت قصه وجود دارد» (فرزاد؛ 1378 : 24).

منابع

- 1- آلوت، میریام، (1368) رمان به روایت رمان نویسان ، (ترجمه علی محمد حق شناس)، تهران: مرکز.
- 2- ابن خلدون، عبدالرحمن، (1369) مقدمه ابن خلدون «، (ترجمه محمد پروین گنابادی)، چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی.
- 3- ادیبی سده، مهدی، (1379) جامعه شناسی جنگ و نیروهای نظامی «، تهران: سمت.
- 4- انوشه، حسن، (1376) دانش نامه ادب فارسی «، جلد دوم، تهران : سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 5- ایرانی، ناصر ،(1364) داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر «، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- 6- با رونیان، حسن، (1387) شخصی تپردازی در داستان های کوتاه دفاع مقدس «، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- 7- ثروت، منصور، (1385) آشنایی با مکتب های ادبی ، تهران، سخن.
- 8- حنیف، محمد، (1386) جنگ از سه دیدگاه «، تهران: سریر.
- 9- -----، و محسن حنیف، (1388) کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس ، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- 10- داد، سیما، (1380) فرهنگ اصطلاحات ادبی ، تهران: مروارید.
- 11- دستغیب، عبدالعلی، («،) 1376 به سوی داستا نویسی بومی ، تهران: حوزه هنری.
- 12- ربانی، جعفر، (1377) دفاع مقدس در کتاب های درسی دانش آموزان ، فصلنامه پژوهش شماره 9.
- 13- رضایی، عربعلی، (1382) واژگان توصیفی ادبیات ، تهران: فرهنگ معاصر.
- 14- رهگذر، رضا، (1370) نیم نگاهی به هشت سال قصه جنگ ، تهران : حوزه هنری.
- 15- زاغیان، مریم، (1387) کتاب شناسی زن در دفاع مقدس ، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.

- 16- زرآفا، میشل، (1386) جامعه شناسی ادبیات داستانی «، (ترجمه نسرین پروینی)، تهران: سخن.
- 17- زرین کوب، عبدالحسین، (1372) آشنایی با نقد ادبی ، تهران: سخن.
- 18- سپانلو، محمدعلی، (1381) نویسندگان پیشرو ایران ، تهران: نگاه.
- 19- سپیدنامه ، بهروز، (1389) ویرگول (مجموعه مقالات، نقد و نظر در حوزه اجتماع، فرهنگ و ادبیات)، مشهد: سپیده واوران.
- 20- سرشار، محمدرضا، (1377) منظری از ادبیات داستانی پس از انقلاب ، چاپ دوم، تهران: پیام آزادی.
- 21 سلیمانی، بلقیس، (1380) تفنگ و ترازو (نقد و تحلیل رمان های جنگ)، تهران: روزگار.
- 22- سلیمانی، محسن، (1369) ، رمان چیست؟ ، چاپ دوم ، تهران: نی.
- 23- -----، (1372) ، واژگان ادبیات داستانی ، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- 24- -----، (1377) ، ادبیات پایداری ، فصلنامه پژوهش سال نهم شماره 9.
- 25- ----- (1389) ادبیات دفاع مقدس ، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- 26- شمیسا، سیروس، (1376) (انواع ادبی ، چاپ پنجم، تهران: فردوسی. سنگری، محمدرضا، (1376) ادبیات پایداری هشت سال دفاع مقدس «، ماهنامه ادبیات معاصر شماره 11 و 12 .
- 27- شوهانی، علیرضا، (1389) پایان نامه دکتری با عنوان «تحلیل قالب و محتوای رمان دفاع مقدس دهه شصت « ، دانشگاه شهید بهشتی.
- 28- صنعتی، محمدحسین، (1389) آشنایی با ادبیات دفاع مقدس ، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- 29- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (1373) حقوق جنگ ، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- 30- فرزاد، عبدالحسین، (1378) درباره نقد ادبی ، تهران: قطره.
- 32- کاکایی، عبدالجبار، (1380) بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان «، تهران: پالیزان.
- 33- کوثری، مسعود، (1379) تأملی در جامعه شناسی ادبیات ، تهران: باز.

- 34- گرانت، دیمیان، (1375) رئالیسم»، (ترجمه حسن افشار)، تهران: مرکز.
- 35 - مشرف، مریم، (1385) شیوه نامه نقد ادبی»، تهران: سخن.
- 36 - مقدادی، بهرام، (1378) فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی»، تهران: فکر روز.
- 37 - میرعابدینی، حسن، (1386) صدسال داستا نویسی ایران»، جلد 3 و 4، تهران: چشمه.
- 38 - می یر، پیتر، (1376) جامعه شناسی جنگ و ارتش»، (ترجمه عل یرضا ازغندی و محمدصادق مهدوی)، تهران: قومس.
- 39 - ولک، رنه و آوستین وارن، (1373) نظریه ادبیات»، (ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر)، تهران: علمی و فرهنگی.
- 40 - ویژه نامه جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، (1380)، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- 41- هاترید، پیر، (1385) مکتب های ادبی»، (ترجمه رضا حسینی)، تهران، جهانگیر.